

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دو مقام آمریکایی مدعی شده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، قصد دارد در سفر خود به عربستان سعودی اعلام کند که ایالات متحده از این پس خلیج فارس را به نام موهوم و جعلی «خلیج عربی» یا «خلیج سعودی» خواهد نامید. این ادعا، اگر چه هنوز تأیید نشده، با سابقهٔ اظهارات جنجالی ترامپ در حوزه ژئوپلیتیک و ناآگاهی او از مسائل جغرافیایی، که در کتاب خاطرات جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا، با عنوان «اتاقی که در آن اتفاق افتاد» شرح داده شده، همخوانی دارد. بولتون در این کتاب به مواردی از ناآگاهی جغرافیایی ترامپ اشاره کرده، از جمله اینکه او در دیدار سال ۲۰۱۸ با ولادیمیر پوتین در هلسینکی، پایتخت فنلاند، تصور می کرد فنلاند بخشی از روسیه است و حتی پرسیده بود که آیا فنلاند «یکی از اقمار روسیه» است؟ این موضوع پیش تر نیز در سال ۲۰۱۷، زمانی که ترامپ از این عنوان استفاده کرد، واکنش تند مقامات ایرانی را برانگیخت. خلیج فارس، به‌عنوان یکی از مهم ترین آبراه‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی جهان، سال‌هاست که موضوع مناقشه میان ایران و برخی کشورهای عربی است. ایران نام «خلیج فارس» را به‌عنوان یک عنوان تاریخی و مورد تأیید جهانی، با پشتوانه قرن‌ها شواهد نقشه‌نگاری و تأیید نهادهایی مانند سازمان ملل متحد و سازمان بین‌المللی هیدروگرافی، مطرح می‌کند. در مقابل، برخی کشورهای عربی از دهه ۱۹۶۰ به بعد، تحت تأثیر احساسات ملی‌گرایانه، بر نام جعلی و موهوم دیگری تأکید دارند تا نفوذ منطقه‌ای خود را تقویت و ادعاهای تاریخی ایران را به چالش بکشند.

زمینه تاریخی جعل نام

نام «خلیج فارس» ریشه‌ای عمیق در تاریخ بشری دارد و از دوران باستان در متون یونانی، رومی و پارسی به‌عنوان «سینوس پرسپیکوس» یا «دریای پارسی» شناخته می‌شده است. نقشه‌نگاران برجسته‌ای مانند بطلمیوس، استرابو و بعدها نقشه‌نگاران اسلامی و اروپایی، این نام را به‌طور مداوم به کار برده‌اند، حتی در اسناد رسمی کشورهای عربی تا دهه ۱۹۶۰، از جمله مکاتبات رهبران منطقه، از نام خلیج فارس استفاده می‌شد. با این حال، پس از ظهور ملی‌گرایی عربی در قرن بیستم، برخی کشورهای عربی، به‌ویژه پس از استقلال امارات متحده عربی و بحرین، شروع به ترویج نام جعلی کردند. این حرکت بیشتر به‌عنوان واکنشی به نفوذ تاریخی و سیاسی ایران در منطقه و تلاش برای کاهش هویت پارسی خلیج فارس تلقی می‌شود. ایران، به‌عنوان کشوری که سواحل شمالی خلیج فارس را در اختیار دارد، همواره بر حفظ نام تاریخی این آبراه تأکید کرده است. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در واکنش به شایعات اخیر، اظهار داشت: «نام خلیج فارس، مانند بسیاری از نام‌های جغرافیایی، ریشه عمیق در تاریخ بشر دارد. استفاده از این نام به معنای مالکیت هیچ ملت خاصی نیست، بلکه نشان‌دهنده احترام مشترک به میراث جمعی بشریت است.» او افزود که هرگونه تلاش برای تغییر این نام، نشانه‌ای از «نیت خصمانه» علیه ایران و مردم آن است و به شدت محکوم می‌شود.

حاشیه‌سازی ترامپ جدید نیست

استفاده از عنوان جعلی برای خلیج همیشه فارس توسط آمریکا موضوع جدیدی نیست. ارتش ایالات متحده سال‌هاست که در بیانیه‌ها و اسناد نظامی خود به‌صورت یکجانبه از این نام استفاده می‌کند. در سال ۲۰۱۷، زمانی که ترامپ در سخنرانی خود از این نام جعلی استفاده کرد، موجی از اعتراضات در ایران به راه افتاد و حتی حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت، او را به مطالعه جغرافیا دعوت کرد. نکته قابل توجه این است که متن رسمی منتشر شده توسط کاخ سفید در همان زمان از نام «خلیج فارس» استفاده کرد، که نشان‌دهنده تناقض بین اظهارات شفاهی ترامپ و سیاست رسمی دولت آمریکا بود. این سابقه نشان می‌دهد که چنین اقداماتی بیشتر جنبه نمایشی و سیاسی دارد تا تغییر واقعی در سیاست‌های رسمی. چنین رویکردی در مورد تغییر نام خلیج مکزیک و الحاق کانادا و گرینلند نیز اخیراً توسط ترامپ به کار گرفته شده که البته نتیجه‌ای جز تمسخر رئیس‌جمهور آمریکا در پی نداشته است.

اهداف سیاسی اسم دزدی

تصمیم ترامپ برای استفاده از نام جعلی می‌تواند به تقویت روابط آمریکا با این کشور ها منجر شود، به‌ویژه در زمانی که ترامپ به دنبال جلب حمایت مالی و سیاسی آن‌ها برای پروژه‌های منطقه‌ای خود است. با این حال، این حرکت همچنین می‌تواند تنش‌های ایران با کشورهای عربی را تشدید کند.

در سال های

رسانه‌های آمریکایی به جای هل دادن ترامپ به سمت تکرار یک نام جعلی بهتر است عاقبت شیطنت نیروهایشان را به او یادآوری کنند

این جا خلیج مکزیک نیست

اخیر، ایران و برخی کشورهای منطقه، از جمله عربستان، گام‌هایی برای کاهش تنش و بهبود روابط برداشته‌اند. مطرح کردن موضوع حساسی مانند تغییر نام خلیج فارس توسط ترامپ با این هدف صورت می‌گیرد که این تلاش‌ها را تضعیف کرده و به احیای مناقشات قدیمی منجر شود. یکی از سؤالات کلیدی این است که این اقدام چه تأثیری بر مذاکرات غیر مستقیم میان ایران و آمریکا خواهد داشت. اگر ترامپ در فضای رسانه‌ای در مورد خلیج فارس اظهار نظر کرده و از عنوان جعلی استفاده کند یا حتی ادعاهای موهوم ارضی درباره جزایر سه‌گانه (تپ بزرگ، تپ کوچک، و ابوموسی) مطرح کند، ایران با یک سؤال دیپلماتیک مواجه خواهد شد. از یک سو، کنار کشیدن از مذاکرات و از سوی دیگر ادامه مذاکرات با وجود لفاظی‌های ترامپ، به نظر می‌رسد آمریکا نیز به دنبال این است تا هم زمان با اظهارات رسانه‌ای جنجال‌ساز و آوردن ایران پای میز مذاکره عملیات روانی خود در رسانه‌های جهان را به نحوی جلو ببرد که جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه و جهان تضعیف شود.

آزمایش اجتماعی ترامپ

دیگر هدفی که از عملیات روانی رسانه‌های ترامپ برداشت می‌شود این است که آن‌ها می‌خواهند با جوسازی در مورد خلیج فارس تقابل اجتماعی ملت ایران را با تعرض‌های هویتی اینچنینی ارزیابی کنند. در صورتی که مقام‌های سیاسی ایرانی و فضای اجتماعی در مقابل این عملیات روانی خنثی عمل کرده باشند مشاوران ترامپ احتمالاً او را وسوسه خواهند کرد که با جسارت بیشتر در مورد مسائل مختلف مرتبط با ایران موضع‌گیری کند. موضع‌گیری‌ای که اخیراً ترامپ و وزیر خارجه‌اش در مورد نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای داشته‌اند ممکن است در صورت اینکه ایران در سایر تقابل‌های رسانه‌ای با حساسیت ورود نکند بیشتر تکرار شده و حتی وارد دستورکار مذاکراتی و یتکاف شود. موضع‌گیری عراقچی و ظریف وزرای خارجه فعلی و سابق ایران نشان داد که دستگاه دیپلماسی کشور نسبت به اینگونه بهره‌داری‌ها آگاهی کاملی دارد، آگاهی‌ای که باید با سایر اقدامات واکنشی تکمیل شود.

راهکارهای تقابل با عملیات روانی جدید

برای مقابله با این چالش، ایران نیاز به یک استراتژی چندجانبه دارد که هم پاسخ قاطعی به این اقدام بدهد و هم از تشدید غیرضروری تنش‌ها جلوگیری کند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این اقدام، تقویت حس همبستگی ملی در ایران خواهد بود. خلیج فارس برای ایرانیان، صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی یا پیشینه فرهنگی، نمادی از هویت ملی و تاریخی است. حتی افرادی که با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران اختلاف نظر دارند، در موضوعات مرتبط با تمامیت ارضی و هویت ملی معمولاً موضعی مشترک دارند. لذا این موضوع می‌تواند به بسیج عمومی علیه سیاست‌های ترامپ منجر شود. یکی از مؤثرترین راه‌ها برای پاسخ به این اقدام، تقویت حس همبستگی ملی و نمایش اقتدار فرهنگی ایران است. پیشنهاد می‌شود همزمان با سفر احتمالی ترامپ، ایران یک جشنواره بزرگ ملی با عنوان «جشن خلیج فارس» برگزار کند. این جشنواره می‌تواند به مناسبت ایام ولادت امام رضا(ع) سازمان‌دهی شود و شامل برنامه‌های متنوعی مانند کنسرت‌های موسیقی، مسابقات ورزشی، نمایشگاه‌های فرهنگی، و فعالیت‌های هنری در شهرهای ساحلی خلیج فارس باشد. این جشنواره می‌تواند با پوشش گسترده رسانه‌ای، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، توجه افکار عمومی را به هویت تاریخی خلیج فارس جلب کند. همچنین برای ارسال پیامی قاطع در سطح بین‌المللی، ایران می‌تواند یک زرمایش نظامی در آب‌های خلیج فارس برگزار کند، مشابه زرمایش چین در زمان سفر نانسی پلوسی به تایوان در سال ۲۰۲۲. این اقدام می‌تواند توجه رسانه‌های جهانی را به اقتدار ایران در منطقه جلب کند و اثر عملیات روانی آمریکا را خنثی سازد. علاوه‌براین، ایران می‌تواند در رویکردی نامدین در واکنش به اقدام کشورهای عربی با همکاری کشورهای دوست، قطعنامه‌ای در حمایت از نام خلیج فار س مطرح کند.



حجت‌الاسلام مجتبی نامخواه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

یمن هم‌زمان با شلیک موشک به فرودگاه اسرائیل با آمریکا توافق کرد

دیپلماسی با سوخت‌هایپرسونیک



یمن از موضع قدرت سخن می‌گوید

حمله موشکی انصارالله به فرودگاه بن‌گورین در ببحوجه مذاکرات با آمریکا نه‌تنها نشان‌دهنده استقلال عمل یمن بود، بلکه پیامی روشن به واشنگتن و تل‌آویو ارسال کرد که انصارالله از موضع قدرت وارد مذاکرات شده و حاضر به امتیازدهی یک‌جانبه نیست. این حمله نشان داد که یمن می‌تواند هم‌زمان در دو جبهه میدان و دیپلماسی عمل کند و فشارهای میدانی را به اهرمی برای پیشبرد اهداف سیاسی خود تبدیل کند. برخلاف تصور برخی که این اقدام را نشانه شکست مذاکرات می‌دانستند، ادامه گفت‌وگوها و حصول توافق نشان داد که انصارالله توانسته است با نمایش قدرت نظامی، آمریکا را به توافق آتش‌بس ترغیب کند.

محمد عبدالسلام در مصاحبه با الجزیره تأکید کرد توافق با آمریکا «در

راستای خدمت به مسئله فلسطین» بوده و هدف آن «اعمال فشار بر

رژیم صهیونیستی» است.

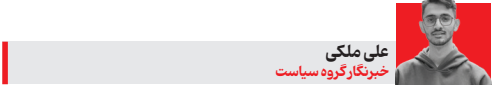
ترامپ پشت بی‌بی را خالی کرد؟

در ماه‌های گذشته ایالات متحده به همراه متحدانش از جمله انگلیس و رژیم صهیونیستی حملات سسنگیتی را علیه یمن انجام داده بود و اعلام آتش‌بس توسط ترامپ در مرحله اول، مقامات اسرائیلی را غافلگیر کرد و در مرحله بعد، چراغ‌سبزی به اسرائیل بود تا هر آنچه که می‌خواهد در یمن به نمایش بگذارد.

این تصمیم ترامپ ممکن است ناشی از فشارهای داخلی و بین‌المللی برای کاهش هزینه‌های نظامی آمریکا به‌ویژه در فاصله چندروزه مانده تا سفر مهم ترامپ به منطقه باشد. کارزار هفت‌هفته‌ای حملات آمریکا به یمن که بیش از یک میلیارد دلار هزینه داشت، نه‌تنها توانست حملات انصارالله را متوقف کند، بلکه نگرانی‌هایی در باره تضعیف آمادگی نظامی آمریکا در برابر تهدیدات دیگر ایجاد کرد. حمله اسرائیل به فرودگاه صنعا که در پاسخ به اقدام یمن علیه بن‌گورین انجام شد، نشان‌دهنده عمق تنش‌ها میان انصارالله و تل‌آویو بود. این حمله نه‌تنها توانست یمن را از ادامه عملیات بازدارد، بلکه عزم انصارالله برای پاسخگویی را تقویت کرد. محمد البیشتی، یکی از رهبران انصارالله تأکید کرد عملیات علیه اسرائیل تا پایان محاصره غزه ادامه خواهد داشت، حتی اگر به قیمت «نبرد تا روز قیامت» تمام شود. انصارالله با اعلام اینکه توافق با آمریکا شامل رژیم صهیونیستی نمی‌شود، راه را برای ادامه حملات به کشتی‌ها و منافع اسرائیل باز گذاشت. این استراتژی که بر تمایز میان آمریکا و اسرائیل تأکید دارد، به یمن اجازه‌داد تا ضمن حفظ آتش‌بس با واشنگتن، فشار بر تل‌آویو را افزایش دهد.

عقب‌نشینی تا آتش‌بس در غزه ممنوع!

توافق آتش‌بس میان یمن و آمریکا اگر چه دستاوردی برای انصارالله محسوب می‌شود، اما با توجه به عهدشکنی‌های مکرر کاخ سفید، چندان قابل اتکا نیست. ادامه حملات یمن به اسرائیل و پاسخ‌های تل‌آویو می‌تواند این توافق را به خطر بیندازد، به‌ویژه اگر آمریکا تحت‌فشار لابی اسرائیل قرار گیرد. علاوه بر این، اظهارات مبهم ترامپ درباره «خبر مهم» پیش از سفر به خاور میانه، گمانه‌زنی‌هایی در باره احتمال اعلام آتش‌بس در غزه یا پیشرفت در مذاکرات با ایران یا عربستان ایجاد کرده است. بااین حال، هرگونه تحول در این زمینه به پایان جنگ غزه وابسته است، زیرا انصارالله بارها تأکید کرده که بدون رفع محاصره غزه از مواضع خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. از سوی دیگر، این توافق نشان‌دهنده تغییر در معادلات قدرت منطقه‌ای است. یمن با نمایش توانایی خود در مقابله با آمریکا و اسرائیل، جایگاه خود را به‌عنوان بازیگری کلیدی در جبهه مقاومت تقویت کرد. این موضوع نه‌تنها دست تهران را در مذاکرات با غرب تقویت کرده، بلکه شکاف میان واشنگتن و تل‌آویو را نیز نمایش می‌دهد.



هم‌زمان که ساده‌سازان، شلیک انصارالله به فرودگاه اسرائیل را مغل مذاکرات ایران و آمریکا می‌دانستند نماینده ترامپ با طرف یمنی در عمان به توافق آتش‌بس رسید. توافق آتش‌بس میان آمریکا و انصارالله یمن یکی از تحولات کلیدی خاور میانه است. این اقدام نه‌تنها مذاکرات با آمریکا را مختل نکرد، بلکه یمن را در موضع قدرت قرار داد. بااین حال جدایی موضع آمریکا از رژیم صهیونیستی این فرصت را در اختیار تل‌آویو گذاشت که شدت حملاتش به صنعا را بیشتر کند. انصارالله هم ضمن تعهد به عدم حمله به کشتی‌های آمریکایی، اعلام کرد تا برقراری آتش‌بس در غزه، حملات به اسرائیل ادامه خواهد داشت. حمله به بن‌گورین، فرودگاه بین‌المللی سرزمین‌های اشغالی پیامی از استقلال عمل یمن بود و برخلاف پیش‌بینی برخی به توافق با آمریکا منجر شد. ترامپ حملات نظامی به یمن را متوقف کرد، اما اسرائیل با حمله به صنعا واکنش نشان داد. انصارالله هم این اقدام را محکوم و وعده پاسخ «ویرانگر» داد.

دیپلماسی در سایه موشک

رسانه‌های آمریکایی گفته‌اند مذاکرات غیر مستقیم میان ایالات متحده و انصارالله یمن از هفته‌ها پیش در مسقط، پایتخت عمان آغاز شده بود. این گفت‌وگو‌ها که با میانجیگری عمان و هدایت استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ پیش می‌رفت بر کاهش تنش‌ها در دریای سرخ متمرکز بود. انصارالله از بیش از یک سال پیش با هدف حمایت از مردم غزه، حملاتی را علیه کشتی‌های مرتبط با آمریکا و رژیم صهیونیستی در این منطقه انجام داده بود. این حملات که در واکنش به محاصره غزه بود، خطوط کشتیرانی بین‌المللی را مختل کرده و هزینه‌های سنگینی به اقتصاد جهانی تحمیل کرده بود. در این میان، انصارالله در اقدامی جسورانه، حمله موشکی به فرودگاه بن‌گورین در اسرائیل را انجام داد. این حمله که به گفته محمد عبدالسلام، سخنگوی انصارالله در واکنش به گسترش عملیات زمینی اسرائیل در غزه صورت گرفت، نشان داد که یمن نه‌تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه با قدرت در صحنه حضور دارد. برخلاف پیش‌بینی برخی ساده‌سازان که تصور می‌کردند این اقدام مذاکرات تهران را به بن‌بست می‌کشاند، ایالات متحده نه‌تنها فرمان مواجهه با ایران را ثابت نگه داشت بلکه با خود یمن به توافق رسید. این توافق صرفاً به توقف حملات متقابل میان یمن و آمریکا محدود بود و هیچ تعهدی درباره رژیم صهیونیستی در آن گنجانده نشده بود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در جریان دیدار با مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا به‌صورت غیر منظره اعلام کرد که حملات نظامی آمریکا به یمن متوقف خواهد شد. سی‌ان‌ان گزارش داد که این تصمیم پس از فعالیت‌های دیپلماتیک فشرده میان آمریکا، عمان و یمن گرفته شد. وزارت دفاع آمریکا نیز دستور توقف حملات علیه یمن را به ارتش این کشور ابلاغ کرد.

در مقابل رژیم صهیونیستی به‌سرع ت به حمله یمن واکنش نشان داد و فرودگاه صنعا را هدف قرار داد. مهدی الشاطی، رئیس شورای عالی سیاسی یمن این حمله را محکوم کرد و وعده داد که پاسخ انصارالله «ویرانگر و دردناک» خواهد بود. این اقدام اسرائیل نشان داد که توافق آمریکا و یمن هیچ تأثیری بر تنش‌های میان یمن و تل‌آویو ندارد. انصارالله نیز با تأکید بر ادامه حمایت از غزه، اعلام کرد که حملات به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل تا زمان رفع محاصره غزه و ورود کمک‌های بشردوستانه ادامه خواهد یافت.



مثلاً فرض بفرمایید در به‌روز بودن حوزه یک‌سری ظواهری دارید. این ظواهر می‌توانند از طریق همراهی با تغییرات فرهنگی و اجتماعی بروز پیدا کنند. ولی واقعیتی در مسائل روز وجود دارد و آن غایت عدالت است. این موضوع آن چیزی است که حوزه باید بر اساس آن بازسازی شود و مرتب خودش را به یک معنا به‌روز کند. غایتی است که در بطن مسائل وجود دارد. بنابراین، منظور از یک آخوند به‌روز، آخوند بلاگر نیست، بلکه حوزه و روحانی‌ای است که می‌تواند به غایت احکام که اصل هستند، برای بسط عدالت ارجاع دهد. ما با حوزه‌ای طرف هستیم که در یک مگرآباد به تعبیر امام، تحجر و تقدس‌مآبی، یک تحول را رقم‌زده؛ تحولی گسترده. ولی بعد از این تحول، این تصور را دامن می‌زند که انکار تمام نهاد در این موضوع دست‌اندرکار

یعنی از صورت عزلت در سیاست به انحصار در امر سیاسی تبدیل شود. یعنی از حوزه احکام فقهی به مثابه ابزاری در دست عدالت، تبدیل شود به فرمی از فقه که صورت آن فرم بر غایت عدالت غلبه می‌کند و این‌ها صورت‌هایی از تحجر است که می‌تواند به عنوان آسیب در دوره نظام مطرح شود.»

آخوند به‌روز، آخوند بلاگر نیست

نامخواه در مورد اینکه حوزه برای بازسازی خود باید چه اقداماتی انجام دهد، گفت: «محورهای مهمی در پیام امام برای این بازسازی مطرح شد اما آنچه مهم است ظواهر روز نیستند، بلکه مسئله‌ها هستند که مهمند. مهم این است که غایت فقه مورد توجه باشد و محور، بازیابی نقش حوزه باشد.

ادامه از صفحه ۷

حکومت‌شانی از شتون قوانین است. مضمون آن این است که احکام، قوانینی از اسلام هستند و ابزار دست عدالت هستند، یعنی جایی اگر با احکامی مواجه بودیم که به بسط عدالت کمک نمی‌کردند، این‌ها احکام دین نیستند؛ مضمونی که در مکاتبه با آیت‌الله گلپایگانی در موضوع مالکیت زمین دارند یا در مورد دخالت دولت در روابط کار دارند. اینجا امام استدلال می‌کنند اگر غایت عدالت، برجسته نباشد می‌تواند به طی کردن مسیر معکوس منتهی شود. جریانی که هم آن روز وجود داشت، هم امروز وجود دارد. بنابراین، تحجر با انقلاب اسلامی و سیاسی شدن حوزه از بین نمی‌رود، بلکه امام به ما هشدار می‌دهند که می‌تواند از صورتی به صورت دیگر تبدیل شود و این